

تبارشناسی اشخاص، مای قومی و اجتماعی سیستان و بلوچستان

حاجی سید

سرشناسه

سیاسر، قاسم، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور تبارشناسی شکاف‌های قومی و اجتماعی سیستان و بلوچستان، قاسم سیاسر

مشخصات نشر

تهران، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهري

صفحه، مصور، نقشه، جدول، نمودار.

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۹۱۶۳۶-۶-۳

یادداشت

عنوان اصلی: تبارشناسی شکاف‌های قومی و اجتماعی سیستان و بلوچستان

موضوع

قوم‌شناسی -- ایران -- سیستان و بلوچستان

موضوع

واقعۀ سیستان، ۱۹ بهمن ۱۳۳۰

ردمبناي کنگ

DSR۶۹

ردمبني ديوي

۱۵۵/۲۱

شماره‌ي کتابخانه، مل

۶۰۳۳۰۷۲

عنوان کتاب:

تبارشناسی شکاف‌های قومی و اجتماعی سیستان و بلوچستان

نویسنده:

قاسم سیاسر

ویراستار:

علی شاهمرادی

طراح جلد:

احسان صالحی

ناشر:

نشر دریافت

چاپ اول:

۱۳۹۸

شمارگان:

۱۰۰۰ نسخه

قیمت:

۴۵۰۰۰۰ ریال

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۹۱۶۳۶-۶-۳

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۹
فصل اول	
روند تبدیل «هویت» به «مذهب» در سیستان و بلوچستان.....	۱۳
سیاسی شدن مفهوم «قوم» در استان.....	۲۰
سرحد: از حلقه وصل تا نقطه فصل.....	۲۳
بازنمایی گذشته با ذهنیت بحران زده.....	۴۰
سیستان و بلوچستان در برزخ میان سنت و تجدد.....	۵۶
واکنش متفاوت سیستانی ها و بلوچ ها به تجدد.....	۶۹
ناتوانی نظم سنتی در جذب عناصر بیرونی با ورود تجدد.....	۷۵
فصل دوم	
تضعیف وجه معرفتی نظم سنتی استان و پیامدهای آن.....	۱۰۹
زمینه های بروز هویت خواهی قوم گرایانه.....	۱۱۴
آمیزش دو افق فکری متفاوت و درک ایدئولوژیک گذشته قومی.....	۱۲۲

- خروج سیستان و بلوچستان از توازن سنتی و وقوع بحران..... ۱۲۷
- تحمیل ذهنیت امروز به دیروز و تحریف تاریخ قومی..... ۱۳۴

فصل سوم

- تغییر بنیادی منطق حاکم بر تحولات سیستان و بلوچستان در دوره پهلوی..... ۱۴۱
- ناتوانی دوست محمدخان بارکزیایی از درک اقتضائات جدید..... ۱۶۱
- پارادایم فرهنگی جدید و تبدیل «هویت» به معضل بنیادی برای اهالی استان..... ۱۷۳
- واکشر - تفاوت سیستانی ها و بلوچ ها به ناسیونالیسم دوره پهلوی..... ۱۷۶

فصل چهارم

- تجدد آمرانه و انسداد راه ها، سنتی تخلیه هیجانات..... ۱۸۵
- رویداد نوزده بهمن ۱۳۳۰ خ. س. ساز، مفری برای تخلیه هیجانات انباشته..... ۱۹۲
- تقابل قانون و سنت..... ۲۰۲
- رویداد نوزده بهمن ۱۳۳۰؛ رقابت های طایفه ای و ناخرسندی از تغییر..... ۲۰۶
- حکام محلی بلوچستان و حکومت پهلوی..... ۲۱۴

فصل پایانی

- برداشت ذات گرایانه از هویت و نقش آن در ایجاد شکاف قومی..... ۲۲۱
- گشودگی هویتی، راه خروج از بحران..... ۲۲۴
- سیستان زادگان و رویاپردازی های تاریخی..... ۲۲۷
- ضرورت بازاندیشی تاریخ و فرهنگ استان..... ۲۳۰
- «تاریخ سازی» ترفندی برای حفظ ارزش های طایفه ای و قومی..... ۲۳۵

مقدمه

اگر بپذیریم ریشه شمارش در معضلات امروز ما، به‌ویژه تنش‌های قومی، فرهنگی و اجتماعی، در فهم ما از گذشته و فرهنگ خویش داریم، نهفته است؛ این پرسش پیش می‌آید که فهم ما از گذشته چگونه شکل می‌گیرد؟

اکنون به این موضوع التفات یافته ایم که چگونه می‌توان «فهم»، بدون «میانجی» و بی واسطه بدست نمی‌آید. ما را یک سو با ذهنی مواجه هستیم که دارای خصیصه «پویایی» و «سیالیت» است و از دیگر سو، با واقعیتی طرف هستیم که مدام در حال «شدن» و «صیروت» است. ما از طریق واسطه‌ای به درک گذشته نائل می‌شویم و دستیابی به این مقصود، بی میانجی ممکن نمی‌شود؛ پس درکی هم که از گذشته خویش داریم با تکیه بر میانجی چهره بسته است. از این رو، برای دستیابی به پاسخی برای پرسشی که در آغاز طرح کردیم، باید به بررسی میانجی یا میانجی‌هایی

بپردازیم که در طول شصت سال گذشته، درک ما را از گذشته زادبوم مان شکل داده اند؛ شاید بتوانیم با نقد این میانجی ها گره از کار فرو بسته خویش بگشائیم.

همان گونه که گفتیم فهم گذشته و فرهنگ اساساً بدون میانجی میسر نیست. با نگاهی به گذشته درمی یابیم که سیستمی ها و بلوچ ها نخستین بار در دهه چهل خورشیدی به درک و دریافت گذشته خویش البته به وسای جدید کلمه اهتمام ورزیدند. در آن روزگار اندیشه نادرستی وجود داشت که در مدارس و دانشگاه ها هم ترویج می شد. این عقیده ناصواب در پی حذف تاریخ از روند فهم گذشته بود. در کتب درسی و دانشگاهی به دانشجویان می آموختند که مورخ و پژوهنده، زمانی می تواند به درک بی طرفانه تاریخ نائل شود که ذهنش را کاملاً تهی نماید و بدون پیش فرض و پیشداوری به تحلیل گذشته بپردازد. طشت بی اعتباری این تصور، سالهاست به زمین افتاده و بطلان آن آشکار شده است.

حال که روشن شده فهم گذشته بدون واسطه غیر ممکن است، چرا که واقعیت بی واسطه خودش را به کسی نمی نمایاند. پرسش این است که این میانجی چه ویژگی هایی باید داشته باشد تا فهم دینی تری از گذشته به دست آوریم؟ در پاسخ باید گفت؛ آشکار است میانجی که دستمایه کار محقق و تاریخگر قرار می گیرد می باید میانجی اندیشیده ای باشد؛ بدین معنا که میانجی مزبور باید تا حد امکان تدقیق و به معرفتی روشمند و عقلایی تبدیل شده باشد؛ در غیر این صورت، بجای دستیابی به تصویری روشن و عقلایی از گذشته، به تاریخی موهوم و مشوه دست می یابیم که

زمینه لازم را برای بروز انبوهی از سوء تفاهم‌ها و نزاع‌های قومی و فرهنگی فراهم می‌آورد.

در طول شصت سال اخیر، تاریخ‌گران این زادبوم که سودای خام حذف میانجی را از فرایند درک گذشته در سر داشته‌اند، شوربختانه به جای حذف میانجی، ناخودآگاه با واسطه‌ای به نام فرهنگ رایج روزگار خویش، گذشته را فهم کرده‌اند. وقتی به آثار منتشره نویسندگان این خطه طی شصت سال گذشته می‌نگریم، نقش فرهنگ رایج و به تعبیر روشن‌تر «فرهنگ عامه» را در درک تاریخ به روشنی باز می‌شناسیم. همانگونه که در فرهنگ عامه ما «روایت گری» و «داستان گویی» رواج زیادی دارد؛ چنانکه برای جذابیت روایت، راست و دروغ را به هم می‌آمیزند؛ در شمار قابل توجهی از آثار تاریخی مبتنی بر تاریخ و فرهنگ سیستان و بلوچستان، راست و دروغ را به هم آمیخته‌اند تا داستانی جذاب فراهم آورند و به نام تاریخ به مردم بفروشند. توده مردم نیز که این روایت‌های عمدتاً ساختگی را مناسب روحیات شان یافته‌اند، نویسندگان را به آثار را بزرگ داشته‌اند و از تجلیل و تکریم شان فروگذار نکرده‌اند.

در فرهنگ رایج این سرزمین به گذشتگان و درگذشتگان توجه زیادی می‌شود. ضرب‌المثل سیستانی «مرد سیاه چشم می‌شود» نشان می‌دهد که در فرهنگ عامه سیستان فقط به فضائل درگذشتگان توجه می‌شود و از ذکر رذایل درمی‌گذرند؛ حتی به افراد متوفی به دروغ نیکی‌ها و فضیلت‌هایی نسبت داده می‌شود. تجلی بارز این موضوع در درکی که به میانجی فرهنگ عامه از گذشته ارائه می‌شود، شیفتگی به «ایده تاریخ افتخارآمیز» است. بیشتر تاریخ‌گران سیستانی و بلوچ فقط به جستجوی

افتخارات قومی برآمده اند و در این طریق از غلو و مبالغه هم فروگذار نکرده‌اند.

فرهنگ عامه یا به تعبیر دقیق تر بخش قابل توجهی از فرهنگ عامه، پایه ای عقلانی ندارد. وقتی به میانجی فرهنگ عامه، گذشته را می‌فهمیم، خواه ناخواه درک ما از گذشته، درکی عمیق و عقلایی نخواهد بود. در این اثر به بررسی و نقد پیش فرض هایی پرداخته ایم که با تکیه بر آنها، درک و دریافت های جدید از گذشته قومی ما شکل گرفته و سوء تفاهد های بررانی هم برانگیخته است.

وظیفه خود می‌دانم از آقای علی شاهمرادی ویراستار این اثر که زحمات زیادی در تهیه، سپاسگزاری نمایم. همچنین از استاد غلامرضا عمرانی، جواد محمدی خمک، ناصر نخزری مقدم و دکتر عباس اویسی که از راهنمایی و مساعدت دریغ نکردند، تشکر می‌کنم. از خانم ها الهام نوری و سحر اکاتی نیز به خاطر کمک های فنی و بازبینی متن، سپاسگزارم.

قاسم سیاسر

۱۳۹۸/۸/۱

زاهدان